عملیات نجات آب با انتقال پایتخت؟

فرخنده گلدوست- حسن طباطبایی

خشکسالی و کم‌آبی بر کشور سایه افکنده و تهران نیز به‌عنوان پایتخت ایران، با محدودیت منابع‌آب مواجه‌است‌وبراساس گزارش‌هاواظهارات سخنگوی صنعت آب کشور، میزان مصرف در این کلانشهر به‌مراتب بیش از ظرفیت تأمین آن است، مسئله‌ای که ازناترازی منابع آب حکایت دارد. این موضوع به‌عنوان مهمترین شاخصه ازسوی دولت برای جایگزینی پایتخت به‌منطقه‌ای باشرایط بهترو منابع طبیعی پایدارترمطرح‌شده‌است.

تردیدی نیست که باتوجه به تغییرات اقلیمی و دوره‌های کاهش تغییر بارش، این کلانشهر بیش از سایر شهرها در معرض خطر قرار دارد و میانگین بارش سالانه آن طی چند دهه گذشته حدود ۲۵ درصد کاهش یافته، این درحالی است که مصرف سرانه آب در تهران از استانداردهای جهانی بالاتر است‌وبه‌علت برداشت بی‌رویه‌ازآب‌های زیرزمینی، برخی‌مناطق جنوب تهران بانرخ فرونشست حدود ۲۵ تا ۳۰ سانتی‌متر در سال روبه‌رو هستند که یکی از پیامدهای جدی بحران آب به شمار می‌رود اما برخلاف تصور رایج در میان برخی از کارشناسان، جلوگیری از این بحران فزاینده با انتقال پایتخت ممکن نیست، چراکه سراسر کشور امروز با مسئله تأمین آب دست‌به‌گریبان است و موضوع بسیار «پیچیده‌تودرهم‌تنیده‌تر»ازآنچه‌درتئوری‌رسانه‌ها مطرح می‌شود قابل ارزیابی است.

بااین‌حال دولت‌های مختلف طی یک‌صد سال گذشته دستکم ۱۰ بار موضوع انتقال پایتخت را بنا بر دلایل متعدد ازجمله کمبود آب و فرونشست زمین مطرح کرده‌اند و رئیس دولت چهاردهم نیز این موارد را ازتبعات تمرکزگرایی در تهران دانسته و عنوان کرده، «هیچ راه‌حلی جزانتقال پایتخت‌وجود ندارد.»حال اینکه کشورهایی بانظام‌متمرکز،علیرغم درا‌ختیارداشتن منابع مالی لازم برای فراهم کردن زیرساخت‌های موردنیاز، پایتخت‌های خود را رها نمی‌کنند بلکه راه چاره‌ای می‌یابند.

نیازمالی اجرای چنین طرحی بسیار بالاست و وزیر کشور دولت سیزدهم اردیبهشت سال جاری هزینه ابتدایی انتقال پایتخت رابیش‌از۱۰۰میلیاردد‌لاربرآورد کرده‌بود. کارشناسان معتقدند اگردولت‌چنین‌منابع مالی هنگفتی دراختیاردارد، چرامدیریت مشخصی برای حل‌بحران فرونشست‌ومدیریت‌آب‌ارائه‌نکرده وحتی‌وضعیت‌به‌سمت‌روش‌های‌غیراصولی‌تأمین آب شرب شهروندان سوق داده شده است. وقتی ذخیره آب پشت سدها تمام شده، به‌اجبار منبع تأمین‌آب به چاه‌ها که‌بخشی‌ازآب زیرزمینی است، منتقل می‌شود، در این میان از اجرای روش‌هایی نظیرتصفیه، پساب، ذخیره‌آب‌های بارندگی‌وبارش به‌صورت نقطه‌ای خبری نیست.

داریوش‌مختاری، کارشناس‌حوزه‌مدیریت‌منابع‌آب اتخاذ‌چنین راهکارهایی‌را برای مقابله با‌بحران آب مؤثرتراز‌به‌جایی‌پایتخت‌می‌داند. اودرگفت‌وگو با«ایسنا»می‌گوید:«مانیازمندمدیریت‌بهینه‌منابع موجود هستیم. درغیراین‌صورت، هرشهردیگری هم که به‌عنوان پایتخت انتخاب شود، در‌آینده با‌مشکلات مشابهی مواجه خواهد شد. به‌جای انتقال‌پایتخت، می‌توان با‌بهینه‌سازی مصرف‌آب، مدیریت‌بهترمنابع‌واستفاده‌ازفناوری‌های‌نوین، بحران کم‌آبی در تهران را کنترل کرد. برنامه‌های مختلفی‌نظیراستفاده‌ازآب‌های‌بازچرخانی،توسعه سیستم‌های تصفیه‌و‌ذخیره‌سازی‌آب، ومدیریت بهتر‌کشاورزی‌و‌صنعتی‌می‌تواند‌تا‌حد‌زیادی‌به کاهش‌فشار‌بر‌منابع‌آبی‌کمک‌کند.»

به گفته این کارشناس «در حالی که اظهارات رئیس‌جمهور نشان‌دهنده عمق بحران آب در پایتخت‌است،تصمیم‌به‌جابه‌جایی‌پایتخت‌نیازمند بررسی‌های بیشتری است. این اقدام می‌تواند به حل‌بخشی‌ازمشکلات کمک‌کند، اما‌درعین‌حال مشکلات جدیدی نیز به همراه خواهد داشت، مدیریت آب و مدیریت حوزه شهری را باید‌ازقاعده پنجره شکسته‌ها‌کرد؛ آنچه درست است را‌بیابیم و‌انجام‌دهیم و‌ازانجام کارهای سازه‌ای تکراری و کم‌بازده‌درحوزه‌مدیریت‌آب‌ومدیریت‌شهری‌پرهیز کنیم. پس‌ازآن است که با‌آموزش و فرهنگ‌سازی شهروندان می‌توان‌ازمشارکت‌مشترکان‌آب‌شهری کمک گرفت و‌دستکم به میزان ۳۰ درصد‌از‌مصرف آب شهری کاست.»

مختاری‌معتقداست‌ترویج‌وآموزش‌نیازمند‌اعتبارات فراوان است و اثرات مثبت خود را در بلندمدت بر جا می‌گذارد. همان اعتباراتی که صرف کارهای سازه‌ای و‌تکراری می‌شود. اگرراه درست را‌نرویم، همواره ناچاریم به درمان‌های موضعی همانند انتقال پایتخت بیندیشیم.

هدررفت‌واقعی، مربوط‌به‌نشت‌آب‌درشبکه انتقال‌و‌توزیع‌است

لعیا ابراهیمی از صاحب‌نظران حوزه مدیریت آب دراین‌باره‌به«رسالت»می‌گوید:«انتقال‌پایتخت‌کار ساده‌ای نیست‌وهزینه‌سرسام‌آوراین‌اقدام‌بناست ازکدام‌محل تأمین شود؟ اگرچه‌ظرفیت بارگذاری جمعیت‌درتهران به‌پایان رسیده‌واین‌شهردرمیان کلانشهرهای‌کشوربیشترین‌وشدیدترین‌کمبودآب را‌به‌خود‌اختصاص‌داده‌و۸۶ درصد‌از‌مساحت‌آن تحت‌تأثیرخشکسالی‌شدید‌وبسیارشدید‌قرار‌دارد امابه‌جای‌انتقال‌پایتخت‌بایدمدیریت‌منسجمی‌در بخش‌منابع‌آب‌حاکم‌شده‌وازهدررفت‌هاجلوگیری کرد. آنچه‌ازآن به‌عنوان «هدررفت‌واقعی» نام برده می‌شود، مربوط‌به‌نشت‌آب‌درشبکه‌انتقال‌وتوزیع است که‌نه‌توسط‌مشترکان‌مصرف‌شده‌ونه‌شرکت آب‌وفاضلاب‌درآمدی‌ازآن‌کسب‌کرده‌است. به‌این دلیل‌که‌خطوط‌لوله‌انتقال‌آب‌شهرتهران‌مربوط‌به ۷۰ سال پیش است، حدود ۳۰ درصد‌از‌آب تصفیه شده به‌دلیل فرسودگی‌ونشت‌لوله‌ها‌هدر‌می‌رود، و‌تقریبا‌به‌همین‌میزان‌نیز‌تلفات‌دیگرآب تصفیه شده(مانندعدم‌دقت‌تجهیزات‌اندازه‌گیری‌فروش آب به‌مشتریان و‌مصارف‌غیرقانونی) وجود‌دارد و رفع‌این‌مشکل مستلزم‌سرمایه‌گذاری و‌اقدامات زیربنایی‌است.ناگفته‌نماند‌اگرتهران‌آب‌درتهران، به‌جای‌گزینه‌انتقال‌پایتخت‌باید‌مجموعه‌ای‌از اقدامات‌کوتاه‌مدت‌وبلندمدت‌اجرایی‌شود‌که‌به کاهش‌مصرف، بهبود‌زیرساخت‌ها‌و‌توسعه‌منابع جایگزین‌کمک‌کند. کنترل‌برداشت‌های‌بی‌رویه، مدیریت‌استفاده‌ازمنابع‌زیرزمینی‌به‌شکل‌پایدار‌و هدایت‌آب‌های‌سطحی‌وبارش‌های‌پراکنده‌به‌منابع زیرزمینی‌درکنار‌اصلاح‌خطوط‌انتقال‌آب‌و‌کاهش جمعیت‌تهران‌ازجمله‌راهکارهایی‌است‌که‌می‌تواند درزمینه‌مدیریت‌منابع‌آب‌مؤثرباشد.»

ابراهیمی‌هشدارمی‌دهدکه«تأمین‌آب‌شرب‌پایتخت به‌دلیل‌افزایش‌جمعیت‌دشوارشده‌و‌باتوجه‌به اینکه‌تهران‌توان‌ازدیاد‌جمعیت‌را‌ندارد، نگرانی‌ها درمورد‌تقاضای‌آب‌براثرشدبیشترجمعیت‌افزایش یافته‌است، چراکه‌ظرفیت منابع آب زیرزمینی و سدهای کرج، لار، طالقان، لتیان و‌ماملو‌محدود است و‌با‌فرض اینکه‌پایتخت منتقل شود، نهایت جمعیت‌انتقال‌یافته‌به‌بیش‌ازیک‌تا‌دومیلیون‌نفر نخواهد‌رسید. به‌هرروی‌اقلیم‌ایران‌نیمه‌خشک و‌بیابانی‌است و‌تنها‌مناطق‌محدودی‌در‌شمال کشور و‌دامنه‌های‌غربی‌زاگرس‌نظیر‌کردستان، ایلام، کرمانشاه، لرستان و‌تا‌حدودی‌خوزستان، باران به‌اندازه‌کافی‌دریافت‌می‌کنند‌و‌حوزه‌فلات مرکزی‌به‌عنوان‌وسیع‌ترین‌حوزه‌و‌همچنین‌شرق کشور‌متوسط‌بارش‌بسیار‌کمی‌دارند. بارندگی‌در فلات‌مرکزی‌زیر‌صد‌میلیمتر‌است. حال اینکه‌در طول‌سال‌متوسط‌بارندگی‌در‌دنیا ۸۰۰ میلیمتر است. بنابراین‌در‌یک‌چنین‌اقلیمی، بارگذاری بیش‌ازاندازه‌جمعیت، اقدامی‌خطرناک‌بوده‌و پایداری‌سرزمین‌را‌تهدید‌می‌کند.»

الگوی‌مصرف‌بهینه‌به‌جای‌تغییرپایتخت

سازمان‌آب‌وفاضلاب‌تهران‌گزارش‌کرده‌که‌ظرفیت تأمین‌آب‌برای‌شهرتهران۵/۷۴۹میلیون‌مترمکعب است، اما‌میزان‌مصرف‌این‌شهر۶/۵۴۴میلیون مترمکعب‌است. علاوه‌براین، مصرف‌آب‌در‌تهران به‌طور‌سالانه ۲ تا ۲/۵ درصد‌افزایش‌می‌یابد‌که بحران‌آب‌را‌در‌آینده‌نزدیک، تشدید‌می‌کند. بر‌اساس‌این‌گزارش، تهرانی‌ها‌به‌طور‌متوسط‌روزانه ۸۰ لیتربیشتر‌از‌شهروندان‌کشورهای‌پیشرفته‌آب مصرف‌می‌کنند.

محمد‌بهنام‌رسولی، کارشناس‌ارشد‌عمران‌آب‌با استناد‌به‌این‌گزارش، نگاه‌مثبتی‌به‌جابه‌جایی پایتخت‌ندارد‌و‌به‌«رسالت»‌می‌گوید: «مسئله آب‌همواره‌به‌عنوان‌یکی‌از‌دلایل‌انتقال‌پایتخت مطرح‌بوده‌و‌رئیس‌دولت‌چهاردهم‌نیز‌به‌موضوع محیط‌زیست‌وبه‌طورمشخص‌آب‌اشاره‌کرده‌است. بانوع‌الگوی‌مصرف‌فعلی،منابع‌آب‌موجوددرتهران واطراف‌این‌کلانشهرکفاف‌مصارف‌رانمی‌دهد. هم اینک‌مصارف‌ازمنابع‌پیشی‌گرفته‌ودرشرایطی‌که منابع‌جدیدی‌نداریم، سالانه ۲ تا ۲/۵ درصد به تعداد‌مشترکان‌آب‌تهران‌اضافه‌می‌شود. در‌حال حاضر‌سرانه‌مصرف‌آب‌شرب‌در‌بخش‌خانگی ۲۵۰ لیتر‌در‌شبانه‌روز‌است‌که‌عدد‌بسیار‌بالایی به‌حساب‌می‌آید‌و‌تهران‌در‌مقایسه‌با‌سایر‌شهرها جزء‌پرمصرف‌ترین‌هاست. این‌رقم‌در‌شهر‌مشهد حدود۱۴۰لیتراست، یعنی‌هرتهرانی‌صدلیتربیش‌از هرمشهدی‌آب‌مصرفی‌می‌کند. البته‌اتلاف‌وفرسودگی شبکه‌هم‌نقش‌دارد، ولی‌بخش‌مهمترآن‌به‌الگوی مصرف‌برمی‌گردد، لذا‌مردم‌تهران، سهم‌زیادی‌ازآب باکیفیت‌را‌استفاده‌می‌کنند‌که‌همه‌این‌آب‌متعلق به‌دشت‌تهران‌نیست‌و‌سدهای‌پنجگانه‌امیرکبیر، لار، طالقان، لتیان‌و‌ماملو‌نیزازسایرحوضه‌های‌آبریز به‌پایتخت‌آب‌منتقل‌می‌کنند. درشرایطی‌که‌بودجه و‌اقتضائات‌لازم‌برای‌انتقال‌پایتخت‌وجود‌ندارد، یکی‌از‌اقداماتی‌که‌می‌توان‌انجام‌داد، مدیریت مصرف‌است‌و‌باید‌با‌منابع‌فعلی، الگوی‌مصرف‌را بهینه‌وسرانه‌مصرف‌آب‌شرب‌شهری‌را‌کاهش‌داد. نرخ‌پلکانی‌و‌تصاعدی‌وحتی‌تعرفه‌بندی‌براساس منطقه‌می‌تواند‌بخشی‌ازمشکل‌بیش‌مصرفی‌را‌حل کند، یعنی‌لازم‌نیست‌نرخ‌آب‌در‌مناطق‌برخوردار با‌مناطق‌کم‌برخوردار‌یکسان‌باشد‌و‌می‌توان‌بسته به‌مرغوبیت‌منطقه، تعرفه‌آب‌را‌بالاتر‌برد، از‌طرفی پلکانی‌بودن‌قیمت‌کمک‌می‌کند‌که‌همه‌افراد‌به آب‌شرب‌سالم‌به‌عنوان‌یک‌حق‌دسترسی‌داشته باشند، طبیعتا‌کسانی‌که‌الگوی‌مصرف‌بالاتری دارند، باید‌بهای‌بیشتری‌بپردازند. ضمن‌اینکه‌باید کف‌قیمت‌به‌نحوی‌باشد‌که‌تمامی‌اقشار‌جامعه امکان‌استفاده‌ازآن‌را‌داشته‌باشند، این‌اقدامات دورازدسترسی‌نیست‌و‌می‌شود‌با‌اتخاذ‌تدابیری، به‌مدیریت‌مصرف‌روی‌آورد‌و‌تاب‌آوری‌را‌با‌منابع فعلی‌افزایش‌داد، در‌این‌صورت‌نیازی‌به‌انتقال پایتخت‌نیست.»

این‌کارشناس‌تصریح‌می‌کند: «انتقال‌پایتخت مستلزم‌سنجش‌استعدادها‌و‌پتانسیل‌های‌آن منطقه‌بنا‌بر‌مصارف‌حال، میان‌مدت‌و‌بلندمدت است‌و‌این‌کار‌را‌دشوار‌می‌کند. در‌مناطق‌مرکزی کشور‌منطقه‌ای‌که‌می‌زان‌مصارف‌فعلی‌تهران‌را به‌صورت‌پایدار‌پوشش‌دهد، وجود‌ندارد، به‌همین علت‌آنچه‌طرح‌دولت‌چهاردهم‌را‌ازطرح‌های‌پیشین متفاوت‌می‌کند، مطرح‌کردن‌بنادر‌جنوبی‌کشور برای‌انتقال‌بخشی‌ازپایتخت‌به‌آنجاست‌تابتوان‌به آب‌های‌آزاد‌دسترسی‌پیدا‌کرد‌و‌مشابه‌کشورهای حاشیه‌خلیج‌فارس‌به‌کارخانه‌های‌شورزدایی‌یا آب‌شیرین‌کن‌متکی‌بود. دراین‌صورت، عنصر‌اقتصاد به‌میان‌می‌آید، قیمت‌تمام‌شده‌هر‌مترمکعب‌آب شیرین‌شده، چیزی‌در‌حدود‌یک‌دلار‌است‌که‌از نظر‌اقتصادی‌به‌صرفه‌نیست‌و‌در‌اینجا‌موضوع امکان‌سنجی‌بسیار‌حائز‌اهمیت‌است.»

هیچ‌مکانی‌در‌کشور‌به‌اندازه‌مصارف‌تهران آب‌پایدار‌ندارد

تهران۱۰میلیون‌نفر‌را‌در‌خود‌جای‌داده‌است. هرچند برخی‌کارشناسان‌معتقدند‌که‌به‌دلیل‌تردد‌روزانه افراد‌ساکن‌شهرهای‌اطراف‌تهران‌ومراجعه‌کننده ازاستان‌های‌دیگر، جمعیت‌پایتخت‌در‌طول‌روز‌به نزدیک۱۵میلیون‌نفرمی‌رسد. مطابق‌دیدگاه‌بهنام رسولی، جابه‌جایی‌این‌جمعیت‌با‌تغییرپایتخت، نقض‌غرض‌است:«جابه‌جاروم‌کران‌دوشهری‌اندکه درطرح‌جدید‌ممکن‌است‌گزینه‌های‌احتمالی‌برای پایتخت‌جدید‌باشند. نکته‌مهم‌درخصوص‌این گزینه‌ها‌ظرفیت‌محدود‌جمعیت‌پذیری‌آنهاست که‌با‌یکی‌از‌اهداف‌اصلی‌انتقال‌پایتخت‌که‌کاهش جمعیت‌عنوان‌شده، درتناقض‌است. ضمن‌اینکه مشکلات‌شهرتهران‌باجابه‌جایی‌پایتخت‌رفع‌نمی‌شود وبدون‌آن‌توجهات‌حاکمیتی‌با‌مشکلات‌بیشتری مواجه‌خواهد‌بود. در‌ترکیه‌پایتخت‌از‌استانبول‌به آنکارا‌رفت، ولی‌تمام‌مشکلات‌کلانشهری‌استانبول باقی‌ماند. اگردولت‌ازتهران‌برود، شهری‌با‌میلیون‌ها شهروند‌و‌مشکلات‌حل‌نشده‌باقی‌می‌ماند‌و‌این موجب‌چالشی‌بزرگ‌ترمی‌شود. بنابراین‌جابه‌جایی پایتخت‌مشکلات‌راپیچیده‌ترمی‌کند. چراکه‌صنایع تهران‌وکشاورزی‌اطراف‌این‌شهررانمی‌توان‌منتقل کرد‌وجابه‌جایی‌بخشی‌ازجمعیت‌تهران‌به‌نقطه‌ای که‌استعداد‌هاوپتانسیل‌هایش‌به‌خوبی‌شناسایی وجانمایی‌نشده، باعث‌ایجاد‌مشکلات‌جدیدی‌در میان‌مدت‌و‌بلندمدت‌خواهد‌شد. جدا‌از‌مسئله آب، مباحث‌سوق‌الجیشی‌و‌امنیتی‌را‌هم‌باید‌در نظر‌گرفت، نمی‌توان‌صرفا‌بریک‌فاکتور‌متمرکزبود و‌باید‌تمامی‌موارد‌را‌در‌ماتریکسی‌چندوجهی‌دید واستعدادیابی‌کرد. ضمن‌اینکه‌هنوزهم‌به‌صورت قطعی‌جانمایی‌صورت‌نگرفته‌و‌گزینه‌هایی‌که برای‌پایتختی‌ایران‌مطرح‌است‌همگی‌دریکسری ازپارامترها‌دچار‌ضعف‌هستند. به‌نظرمی‌آید‌که تمرکز‌مسئولان‌در‌آینده‌کوتاه‌مدت‌و‌میان‌مدت باید‌برمدیریت‌مصرف، کاهش‌تلفات‌شبکه، اصلاح الگوی‌مصرف‌و‌کاهش‌سرانه۲۵۰ لیتری‌تهرانی‌ها معطوف‌باشد. ضمن‌آنکه‌تهران‌به‌خاطراستقرار‌در دامنه‌جنوبی‌البرز‌به‌منابع‌آب‌مجاوردسترسی‌دارد وتوانسته‌این‌حجم‌آب‌راتأمین‌کند، ولی‌شهرهایی نظیرمشهد، اصفهان‌وشیراز‌با‌کسربسیار‌کوچکی‌از مصارف‌تهران، برای‌تأمین‌منابع‌آب‌خود‌مانده‌اند، لذا‌امکانی‌درکشورنیست، که‌به‌اندازه‌مصارف‌امروز تهران‌آب‌پایدار‌برای‌کوتاه‌مدت‌ومیان‌مدت‌دراختیار داشته‌باشد. درمورد‌سواحل‌جنوبی‌نیز‌اگرسودای دسترسی‌به‌آب‌های‌خلیج‌فارس‌و‌عمان‌را‌در‌سر پرورانده‌ایم‌به‌لحاظ‌اقتصادی‌وزیست‌محیطی‌اقدام موجهی‌نیست. این‌نواحی‌ازلحاظ‌اقلیمی‌شرایط خاص‌خودشان‌را‌دارند‌و‌به‌دلیل‌شرایط‌آب‌وهوایی امکان‌تاب‌آوری‌اجتماعی‌وجود‌ندارد.»

تهران‌گرم‌و‌خشک‌را‌با‌اروپا‌مقایسه‌نکنید

عباس‌محمدی، فعال‌محیط‌زیست‌ازدیگرمنتقدان انتقال‌پایتخت‌است‌و‌در‌این‌زمینه‌به‌«رسالت» می‌گوید:«تلاش‌برای‌جلوگیری‌ازبحران‌های‌فزاینده زیست‌محیطی‌تهران‌با‌انتقال‌پایتخت‌قابل‌تحقق نیست. سراسرکشورامروزبامسائلی‌مانندفرونشست زمین‌و‌تأمین‌آب‌دست‌به‌گریبان‌است‌و‌در‌مورد تهران‌باتوجه‌به‌گرم‌وخشک‌بودن‌این‌شهر، طبیعی است‌که‌میزان‌مصرفش‌از‌میانگین‌جهانی‌بیشتر باشد. تهران‌را‌نباید‌با‌شهرهای‌دیگرجهان‌ازجمله در‌اروپا‌مقایسه‌کرد. ضمن‌آنکه‌آمارهای‌ارائه‌شده در‌این‌بخش‌با‌واقعیت‌همخوانی‌ندارد. سرانه مصرف‌آب‌تهران‌دربخش‌خانگی‌سالانه‌حدودیک میلیارد‌مترمکعب‌است. اما‌سازمان‌آب‌این‌رقم‌را‌تا سه‌میلیارد‌مترمکعب‌برآورد‌کرده‌ومشخص‌نیست این‌آمار‌چگونه‌به‌دست‌آمده. ما‌به‌استان‌تهران کاری‌نداریم‌ونگاهمان‌صرفا‌معطوف‌به‌شهرتهران است‌و‌برای‌بخش‌کشاورزی، آب‌چاه‌های‌عمیق به‌مصرف‌می‌رسد‌و‌اغلب‌کارخانه‌ها‌نیز‌چاه‌های مجزایی‌دارند. با‌این‌حال‌چگونه‌است‌که‌سازمان آب‌و‌وزارت‌نیرو‌اعلام‌کرده‌اند‌که‌سالانه‌در‌تهران سه‌میلیارد‌مترمکعب‌آب‌مصرف‌می‌شود. به‌نظر می‌رسد‌وزارت‌نیرو‌و‌شرکت‌های‌تابعه‌برای‌اینکه پروژه‌های‌انتقال‌آب‌وسدسازی‌راکلید‌بزنند، مرتبا آمارهای‌اشتباه‌وبامخدوش‌ارائه‌می‌کنند. ازسوی دیگر‌کارشناسان‌بیش‌از‌پنج‌دهه‌است‌که‌عنوان می‌کنند‌برای‌زیست‌پایدار‌تهران‌باید‌چهار‌تا‌پنج میلیون‌نفر‌در‌این‌شهر‌ساکن‌باشند، ولی‌در‌حال حاضرتعداد‌جمعیت‌ازظرفیت‌زیستی‌این‌منطقه‌فراتر رفته‌ودرشرایطی‌هرسال‌برجمعیت‌این‌شهرافزوده می‌شودکه‌طبق‌سندآمایش‌سرزمین، رشد‌جمعیتی وکالبدی‌شهرهای‌مادر‌در‌مناطق‌کلانشهری‌باید محدود‌شود؛ درغیراین‌صورت‌منابع‌آب‌به‌شدت تحت‌تأثیرقرار‌می‌گیرد. در‌سایر‌کلانشهرها‌نیز‌این اتفاق‌افتاده‌است، چه‌تضمینی‌وجود‌دارد‌که‌با سیاست‌های‌غلط‌ما، پایتخت‌جدید‌نیز‌به‌همین سرنوشت‌دچارنشود؟ مادامی‌که‌سیاستگذاری‌های اشتباه‌و‌سوء‌مدیریت‌حاکم‌است، با‌جابه‌جایی پایتخت‌اتفاق‌مثبتی‌رخ‌نمی‌دهد.»

لابی‌های‌بزرگ‌ساخت‌وساز‌پشت‌ایده انتقال‌پایتخت

محمدی‌خاطرنشان‌می‌کند: «این‌بار‌پشت‌ایده انتقال‌پایتخت‌که‌بیش‌از‌گذشته‌با‌هدف‌کاهش فشار‌بر‌منابع‌آب‌مطرح‌شده، کسانی‌قرار‌دارند که‌سال‌هاست‌برای‌ساخت‌وسازهای‌عظیم، بودجه‌های‌چند‌میلیارد‌دلاری‌دریافت‌کردند‌و حالا‌که‌ساخت‌وساز‌در‌تهران‌به‌حد‌نهایی‌خودش رسیده، با‌انتقال‌پایتخت‌به‌دنبال‌سودآوری‌خود هستند. آنان با‌حضور‌در‌سامانه‌اقتصاد‌کشور، بودجه‌مملکت‌را‌صرف‌اقدامات‌بیهوده‌کرده‌اند. درحالی‌که‌می‌توان‌درصد‌کوچکی‌ازبودجه‌انتقال پایتخت‌را‌برای‌اصلاح‌شبکه‌آبرسانی‌تهران‌هزینه و‌ازهدررفت۳۰ درصدی‌آب‌جلوگیری‌کرد. شبکه فاضلاب‌تهران‌نیز‌باید‌اصلاح‌شود. این‌پروژه‌را شهرداری‌تهران، وزارت‌نیرو‌و‌شرکت‌های‌تابعه و‌بانک‌جهانی‌در‌کاسه‌ملت‌گذاشتند، درحالی که‌برای‌تهران‌مضر‌بود. پایتخت‌روی‌آخیز‌بزرگ رشته‌کوه‌توچال‌قرارگرفته، و‌این‌حوضه‌آبریزبزرگ دشت‌سیلابی‌است، دشتی‌پر‌از‌سنگ‌و‌شن‌که شاید‌تا‌چند‌صد‌سال‌هم‌آب‌فاضلاب‌تهران‌در همین‌دشت‌فرو‌می‌رفت‌اما‌از‌ده‌هفتاد‌که‌این شبکه‌فاضلاب‌شروع‌به‌کار‌کرد، دو‌اتفاق‌رخ‌داد، یکی‌اینکه‌آب‌هایی‌که‌سابق‌بود‌دیگروارد‌سفره‌های زیرزمینی‌نشد، دوم‌اینکه‌ساخت‌وسازهم‌به‌سرعت گسترش‌پیدا‌کرد، و‌از‌ده‌هفتاد‌تا‌کنون‌سطح ساخت‌وسازها‌حداقل‌به‌دوبرابررسیده. لذا‌هرچه‌از آسمان‌ببارد، در‌زمین‌تهران‌فرونمی‌رود. در‌نتیجه زیرزمین‌خشک‌وخشک‌ترشده‌وآبخوان‌ها‌دارد‌از بین‌می‌رود‌و‌زمین‌فرونشست‌می‌کند. از‌این‌رو باید‌در‌شبکه‌عظیم‌فاضلاب‌تهران‌به‌نحو‌دیگری بازنگری‌کرد. همچنین‌با‌افزایش‌جمعیت‌تهران، برداشت‌ازمنابع‌زیرزمینی‌نیزبیشترشده‌است. آمار ثبت‌شده‌در‌وزارت‌نیرو‌ازروند‌افت‌تراز‌آب‌زیرزمینی وبرآورد‌کسری‌حجم‌آبخوان‌ها‌حکایت‌دارد‌وصرف هزینه‌برای‌اصلاح‌این‌موارد‌نتیجه‌بهتری‌ازانتقال پایتخت‌دارد.»

نخواهدرسید. ازطرفی‌احتمال‌جابه‌جایی‌جمعیتی که‌سال‌هاست‌دراین‌کلانشهرساکن‌بوده‌اند، بسیار کم‌است، چون‌تهرانی‌ها‌نمی‌توانند‌به‌سادگی‌در شهرهای‌جدیدزندگی‌راازسربگیرند. آمارهای‌عینی هم‌نشان‌می‌دهد‌مهاجرت‌ازیک‌شهربزرگ‌به‌شهر کوچک‌تربعیداست. نه‌در‌ایران‌که‌درشهرهای‌بزرگ دنیا‌نیز‌به‌همین‌صورت‌است. شاید‌افراد‌مسن‌و بازنشسته‌به‌عنوان‌گروه‌های‌در‌اقلیت‌به‌روستاها و‌مناطق‌کوچک‌ترکوچ‌کنند‌اما‌اکثریت‌جمعیت جوان‌وشاغل‌ازیک‌منطقه‌بزرگ‌به‌منطقه‌کوچک‌تر کوچ‌نمی‌کنند. بنابراین‌تغییرپایتخت‌راه‌حل‌نیست. همانطورکه‌اشاره‌کردم‌یکی‌ازمشکلات‌آب‌مربوط به‌ازدیاد‌جمعیت‌است‌وبایداین‌واقعیت‌راپذیرفت که‌رشد‌جمعیت‌تهران‌بیش‌ازآنکه‌نتیجه‌پایتخت بودن‌آن‌باشد، به‌دلیل‌تمرکزمنابع‌در‌آن‌و‌فاصله معنادار‌روند‌توسعه‌آن‌با‌دیگر‌نقاط‌ایران‌است‌و به‌خاطروضعیت‌اقتصادی‌نامطلوب، در‌روستاها‌و شهرهای‌کوچک‌بیکاری‌گسترش‌یافته‌وانبوهی‌از مردم‌به‌سمت‌تهران‌می‌آیند‌و‌در‌مشاغل‌غیرپایدار نظیردستفروشی‌ورانندگی‌درتاکسی‌های‌اینترنتی مشغول‌به‌کارمی‌شوند. لذا‌به‌جای‌هزینه‌های‌میلیارد دلاری‌برای‌تغییرپایتخت، باید‌این‌دلارها‌را‌صرف بهبود‌زیرساخت‌های‌اقتصادی‌کشورکرد، تا‌مردم در‌هرکجایی‌که‌ساکن‌هستند‌درآمد‌کافی‌کسب کرده‌واین‌فشار‌جمعیت‌به‌شکل‌مهاجربه‌سمت شهری‌مثل‌تهران‌گسیل‌نشود.»

لایی‌های‌بزرگ‌ساخت‌وساز‌پشت‌ایده انتقال‌پایتخت

محمدی‌خاطرنشان‌می‌کند: «این‌بار‌پشت‌ایده انتقال‌پایتخت‌که‌بیش‌از‌گذشته‌با‌هدف‌کاهش فشار‌بر‌منابع‌آب‌مطرح‌شده، کسانی‌قرار‌دارند که‌سال‌هاست‌برای‌ساخت‌وسازهای‌عظیم، بودجه‌های‌چند‌میلیارد‌دلاری‌دریافت‌کردند‌و حالا‌که‌ساخت‌وساز‌در‌تهران‌به‌حد‌نهایی‌خودش رسیده، با‌انتقال‌پایتخت‌به‌دنبال‌سودآوری‌خود هستند. آنان با‌حضور‌در‌سامانه‌اقتصاد‌کشور، بودجه‌مملکت‌را‌صرف‌اقدامات‌بیهوده‌کرده‌اند. درحالی‌که‌می‌توان‌درصد‌کوچکی‌ازبودجه‌انتقال پایتخت‌را‌برای‌اصلاح‌شبکه‌آبرسانی‌تهران‌هزینه و‌ازهدررفت۳۰ درصدی‌آب‌جلوگیری‌کرد. شبکه فاضلاب‌تهران‌نیز‌باید‌اصلاح‌شود. این‌پروژه‌را شهرداری‌تهران، وزارت‌نیرو‌و‌شرکت‌های‌تابعه و‌بانک‌جهانی‌در‌کاسه‌ملت‌گذاشتند، درحالی که‌برای‌تهران‌مضر‌بود. پایتخت‌روی‌آخیز‌بزرگ رشته‌کوه‌توچال‌قرارگرفته، و‌این‌حوضه‌آبریزبزرگ دشت‌سیلابی‌است، دشتی‌پر‌از‌سنگ‌و‌شن‌که شاید‌تا‌چند‌صد‌سال‌هم‌آب‌فاضلاب‌تهران‌در همین‌دشت‌فرو‌می‌رفت‌اما‌از‌ده‌هفتاد‌که‌این شبکه‌فاضلاب‌شروع‌به‌کار‌کرد، دو‌اتفاق‌رخ‌داد، یکی‌اینکه‌آب‌هایی‌که‌سابق‌بود‌دیگروارد‌سفره‌های زیرزمینی‌نشد، دوم‌اینکه‌ساخت‌وسازهم‌به‌سرعت گسترش‌پیدا‌کرد، و‌از‌ده‌هفتاد‌تا‌کنون‌سطح ساخت‌وسازها‌حداقل‌به‌دوبرابررسیده. لذا‌هرچه‌از آسمان‌ببارد، در‌زمین‌تهران‌فرونمی‌رود. در‌نتیجه زیرزمین‌خشک‌وخشک‌ترشده‌وآبخوان‌ها‌دارد‌از بین‌می‌رود‌و‌زمین‌فرونشست‌می‌کند. از‌این‌رو باید‌در‌شبکه‌عظیم‌فاضلاب‌تهران‌به‌نحو‌دیگری بازنگری‌کرد. همچنین‌با‌افزایش‌جمعیت‌تهران، برداشت‌ازمنابع‌زیرزمینی‌نیزبیشترشده‌است. آمار ثبت‌شده‌در‌وزارت‌نیرو‌ازروند‌افت‌تراز‌آب‌زیرزمینی وبرآورد‌کسری‌حجم‌آبخوان‌ها‌حکایت‌دارد‌وصرف هزینه‌برای‌اصلاح‌این‌موارد‌نتیجه‌بهتری‌ازانتقال پایتخت‌دارد.»

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آراء صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی رفسنجان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را کتباً به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یك ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت بنام متقاضی صادر خواهد شد.

۱- آقای عقیل اسماعیلی جرجافکی فرزند اسدا... در شهرک خانه به مساحت ۲۴۱٫۷ مترمربع پلاک شماره ۴ فرعی مجزی شده از ۱ فرعی از ۶۴۸ اصلی واقع در اراضی شهر رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس: بازار قطب اباد و حسب استشهادیه محلی از مالک رسمی کبری احمدی رحمت اباد.

۲- آقای قاسم سالار فرزند غلامرضا در شهرک خانه حیاط